

# فن آوریهای CITS و نقش آن در تحول روابط بین الملل دولت - محور

جواد سوری

## درآمد

پیشرفت فن آوری اطلاعاتی و گسترش هرچه بیشتر روابط بین الملل، زمینه ساز جهانی شدن، بوده است. در واقع توسعه ارتباطات بستری را فراهم آورده است که در آن پدیده های مختلف برد جهانی می یابند. بهره مندی پدیده های مختلف از فن آوری ارتباطات این امکان را فراهم می کند که در عرصه ی جهانی خود را عرضه کنند و یا حتی بر جهانیان تحمیل شوند. مهم ترین پیامد آن پیدایش و گسترش یک بازار جهانی برای تمامی ابعاد زندگی است. در واقع به سبب جهانی شدن، ابعاد مختلف زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و... در یک بازار جهانی رقابت آمیز قرار گرفته اند.

انقلاب سوم تکنولوژیک در پایان قرن بیستم که در حوزه ی ارتباطات و اطلاعات به وقوع پیوسته است، تحولات اساسی به همراه آورده است. تکنولوژی اطلاعاتی شامل شبکه های اطلاعاتی کامپیوتری، کمیت و کیفیت اطلاعات قابل دسترس در سطح جهان را به شیوه ای انقلابی و بی سابقه دگرگون ساخته است. تکنولوژی ماهواره ای موجب ظهور رسانه های الکترونیکی در سطح جهانی شده است. در نتیجه فاصله مکانی و جغرافیایی از بین می رود و حوزه ی مشترکی در سطح جهان پدیدار می شود.<sup>(۱)</sup> از این رو تحول و گسترش ارتباطات و فن آوریهای اطلاعاتی از جمله عناصر مؤثر در روند جهانی شدن می باشند.

ورود این فن‌آوریها در حوزه روابط بین‌الملل موجب شده است تا سازوکارهای نظام بین‌الملل، عناصر قدرت، بازیگران نظام بین‌الملل به خصوص دولتها و قواعد بازی که در قالب سیاست خارجی تجلی می‌یابد به نحو چشم‌گیری متحول شود که رسانه‌ها در این بین به عنوان عنصری که ارتباطات به طور عمده از طریق آنها صورت می‌گیرد و به دلیل جهانی‌شدن آنها و نیز پیام مخروج شده از آن که بُعدی جهانی یافته است، نقش مهمی دارند.<sup>(۲)</sup>

در این مقاله تلاش می‌شود تأثیر فن‌آوریهای ارتباطی-اطلاعاتی به خصوص رسانه‌های نوین بر روابط بین‌الملل، دولتها و سیاست خارجی مورد بررسی قرارگیرد و به این موضوع پرداخته شود که چگونه این فن‌آوریها موجب تحول این انگاره‌ها شده‌اند؟

## ۱- ماهیت جهانی‌شدن ارتباطات و اطلاعات

به طور کلی ارتباطات دربرگیرنده‌ی روند مبادله‌ی اطلاعات به مفهوم عام می‌باشد. برهه کنونی را عصر ارتباطات نام نهاده‌اند و این پدیده عمدتاً منبعت از گسترش و تعمیق ارتباطات الکترونیکی است. به واسطه‌ی پیشرفتهای فنی و ارتباطات، فرصتها برای تعامل افزایش یافته است. کالاها و اندیشه‌ها بیشتر، سریع‌تر و با هزینه‌ی کمتر مبادله می‌شود.

پیوندهای فراملی نه تنها روابط نخبگان حکومتی را افزایش می‌دهد بلکه ارتباط بین جوامع رانیز در سطوح چندگانه فراهم می‌کند. این شرایط فعالیت سازمانهای غیرحکومتی و شرکتهای چندملیتی را تسهیل می‌کند. از سوی دیگر تکنولوژی، توانمندیهای مردم را برای ارتباطات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گسترش می‌دهد. در این عصر حجم وسیعی از اطلاعات با کمترین زمان و از طرق گوناگون به آسانی در دسترس عموم قرار می‌گیرد و بنابراین در این دوره انسانها غرق در اطلاعات می‌باشند. جوهره‌ی اصلی تمدن و فرهنگ عصر جهانی‌شدن ترکیبی از تکنولوژی، نظامهای ارتباطاتی جهانی، همراه با تولید، انتقال و پردازش اطلاعات، ماهیت، تولید، پردازش و انتقال اطلاعات است به نحوی که سریع‌تر از عناصر دیگر جهانی‌شدن ابعاد جهانی پیدا کرده است. لذا انقلاب ارتباطاتی دگرگونیهای عمیق و گسترده‌ی مختلفی در زندگی انسانها ایجاد کرده است به طوری که ارتباطات رامی‌توان به مثابه مجموعه‌ای از ابزارها و تکنیکها جهت انتقال اطلاعات تلقی کرد. انقلاب ارتباطی محدوده‌ی فضای رادرهم می‌شکند و انسانهای جهانی با ارزشهای جهانی، الگوها و نهادهای جدیدی را تولید می‌کند.<sup>(۳)</sup>

بنا به گفته‌ی مانوئل کاستلز<sup>۱</sup> در عصر

1. Manual Castells

ارتباطات فاصله‌ی زمانی و مکانی به واسطه‌ی گسترش و پیچیدگی ابزارهای اطلاع‌رسانی محو شده است. نظم طبیعی دوران قدیم یا چارچوبهای مکانیکی جهان صنعتی به یمن دانش اطلاعاتی از بین رفته است. لذا «حضور در مکان» معنای تازه‌ای به خود گرفته که می‌تواند تعیین‌کننده‌ی ارتباط و اتصال شخصی به جامعه شبکه‌ای و یا طرد و حذف او از این امکان فراگیر و در عین حال انحصاری باشد.<sup>(۴)</sup>

## ۲- تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی جدید (CITs)

انقلاب کنونی در تکنولوژیهای اطلاعاتی، ارتباطات انسانی را به سطح جدیدی ارتقا داده است. تکنولوژیهای ارتباطی و اطلاعاتی جدید نظیر شبکه‌های الکترونیکی مهم‌ترین نیروهای پویا و پیش‌برنده‌ی روند جهانی شدن و دگرگونیهای در حال وقوع در فضای فعالیتهای انسانی هستند. به عبارت دیگر، زیرساخت اصلی جهانی شدن معاصر، شبکه‌های الکترونیکی می‌باشد. بنابر استدلال دیوید هلد<sup>۳</sup> و آنتونی مک‌گرو<sup>۴</sup> و بسیاری از محققین جهانی شدن، این تکنولوژیها مهم‌ترین عناصر تعیین‌کننده‌ی شاکله‌ی جهانی شدن معاصر هستند. انقلابی که حول تکنولوژی اطلاعاتی جدید به وقوع پیوسته، موجب یک تغییر پارادایم تکنولوژیکی از تکنولوژی صنعتی به تکنولوژی اطلاعاتی گردیده است. در حالی که تکنولوژیهای فوق

به اعتقاد کاستلز، جامعه شبکه‌ای محصول همگرایی سه فرآیند مستقل، انقلاب اطلاعات، تجدید ساختار سرمایه‌داری و نهضتهای فرهنگی مانند فمینیسم و طرفداری از محیط زیست است. این جامعه شبکه‌ای در گستره جهانی با محوریت رسانه - اطلاعات تعریف می‌شود.<sup>(۵)</sup> به طوری که جهان جدید به صورت شبکه درآمده است، شبکه هدفمندی که بافت اصلی و تار و پود آن را اطلاعات و نظام ارتباطات تشکیل می‌دهد.<sup>(۶)</sup>

در این جامعه، شبکه‌ای اقتصاد و سیاست از طریق ارتباطات و رسانه در گستره‌ی نظم جهانی معنای تازه‌ای می‌یابد به گونه‌ای که به نظر می‌رسد تاریخ تازه‌ای آغاز گشته است.<sup>(۷)</sup> حجم و شدت ارتباطات، شبکه‌های به هم فشرده‌ای را بین دولتها و نهادهای بین‌المللی، جوامع سازمانهای غیردولتی و شرکتهای چند ملیتی به وجود می‌آورد، این شبکه‌ها به ایجاد سیستمی جهانی منجر می‌شود و این نظام

2. Communication and Information New Technology (CITs)

3. David Held 4. Anthony Mcgrow

امروزه مهم‌ترین عامل تولید، رقابت‌پذیری، رشد اقتصادی و حضور در بازارهای جهانی هستند، لیکن با قوت بخشیدن به نیروهای مرکز‌گریز، جهانگرا و بازیگران و فعالان متعدد دیگر، تبدیل به مهم‌ترین ابزارهای به چالش‌طلبی مرزهای سیاسی، به حاشیه‌رانی «دولت - ملت» و همچنین تحلیل بردن حاکمیت ملی شده‌اند.<sup>(۹)</sup>

در تعریفی که از تکنولوژیهای ارتباطی اطلاعاتی شده است آن را عبارت از «مجموعه‌ای از ماشینها به نام کامپیوترها، تلفنها، داده‌پردازها و ایستگاههای کاری، روباتها، ماهواره‌ها، تلویزیونهای کابلی و غیره که از طریق نرم‌افزار فعال و عملگر می‌شوند»، می‌داند. مانوئل کاستلز نیز تکنولوژیهای ارتباطی اطلاعاتی را این‌گونه تعریف می‌کند «تکنولوژیهای ارتباطی و اطلاعاتی عبارت از مجموعه‌ای همگرا از

تکنولوژیها و میکروالکترونیکها، کامپیوتینگ (شامل ماشینها و نرم‌افزار) ارتباطات راه دور، مخابرات و پخش الکترونیکیهای نوری می‌باشند.»<sup>(۱۰)</sup>

### ۳- اثرات انقلاب اطلاعاتی - ارتباطی (تکنولوژیهای ارتباطی و اطلاعاتی)

#### ۳-۱- اثرات اقتصادی

انقلاب اطلاعاتی به عنوان پدیده‌ای ملموس، فراگیر و اثرگذار نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری تحولات و شکل‌بندی پدیده‌ها و ساخت

اقتصادی ایفا می‌نماید. بنابر دیدگاه کوهن<sup>۵</sup> و نای<sup>۶</sup> این تحول عمدتاً بر منابع قدرت اثرگذار بوده است.<sup>(۱۱)</sup> تکنولوژیهای ارتباطی و اطلاعاتی موجب جهانی شدن نظام مالی و کاهش کنترل و اهمیت بانکهای مرکزی دولتها و در نتیجه تضعیف حاکمیت دولتهای ملی بر نظام مالی می‌شوند. با تکنولوژیهای اطلاعاتی، جهان به یک بازار ۲۴ ساعته مالی تبدیل می‌شود و پول به صورت جریانهایی از الکترونها در می‌آید که بدون توقف و وقعی به مرزهای ملی بین اقتصادها گردش می‌کند... یکی از پیامدهای مستقیم از بین رفتن کنترل دولتهای ملی بر نظام مالی، پس رفت در توانایی دولت ملی برای اخذ مالیات از فعالیتهای واحدهای اقتصادی و در نتیجه کاهش توانایی دولت در تأمین کالاهای عمومی و ازدست رفتن مایه‌های اساسی حیات و مشروعیت آن می‌باشد.<sup>(۱۲)</sup>

سرعت ارتباطات و کاهش روزافزون هزینه‌ها که از دهه ۱۹۸۰ شروع شده، باعث گسترش انفجارگونه داد و ستد، تزیاید روندهای بازرگانی و مالی گردیده‌اند. تعداد شرکتهای فراملی بیشتر و بیشتر می‌شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورها به شدت و با سرعتی چند برابر سرعت تجارت جهانی توسعه می‌یابد. جهانی شدن در بعد اقتصاد در اثر فن‌آوریهای جدید آن چنان سریع است که روز به روز

5. Kohane

6. Nye

شرکتهای فیزیکی کمتر، و داد و ستد بیشتر به شکل خدمات، داده‌های اطلاعاتی، مخابرات و ارتباطات پیامهای سمعی و بصری، پست الکترونیک و... عمل می‌شود.<sup>(۱۳)</sup> بیل گیتس رئیس شرکت مایکروسافت در کتاب «راه پیشرو»، عصر جدید را (مبتنی بر ارتباطات) «کاپیتالیسم بی‌برخورد» نام می‌نهد. مرحله‌ی جدیدی از سرمایه‌داری که در آن اطلاعات کامل، پایه و اساسی برای تکامل بازار می‌شود. او می‌گوید: «با ظهور تکنولوژی جدید در زمینه‌ی ارتباطات، برای نخستین بار مفهوم آدم اسمیتی بازار، که در آن همه خریداران، قیمت‌های تمامی فروشندگان را می‌دانستند و هر فروشنده‌ای می‌داند خریداران آمادگی پرداخت چه مبلغی را دارد، تحقق خواهد یافت.»<sup>(۱۴)</sup> از جمله مکانیزمهایی که در این عرصه ایفاگر نقش بسیار پراهمیتی می‌باشد اینترنت است چرا که نقش واسطه‌ها را کاهش داده و مردم و شرکت‌ها می‌توانند با کمک آن مستقیماً با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.<sup>(۱۵)</sup>

یکی از مهم‌ترین کاربردهای مهمی که شبکه‌های الکترونیکی یا زیرساخت‌های اطلاعاتی جهانی امکان‌پذیر می‌سازند تجارت الکترونیکی است. تجارت الکترونیکی موقعیتهای تجاری وسیعی را برای استفاده کنندگان از آن به وجود می‌آورد. از آنجا که بهره‌گیری از شیوه‌ی تجارت الکترونیکی موجبات کاهش هزینه‌های تجارت افزایش، تسریع و تسهیل مبادلات

بازرگانی را فراهم می‌سازد. سهولتی که در انجام تجارت الکترونیکی وجود دارد موجب می‌شود مزایا و منافع سرشاری نصیب استفاده کنندگان از این شیوه‌ی نوین تجاری سازد. امروزه در برخی از کشورها ۶۰ تا ۷۰ درصد تجارت به شیوه‌ی الکترونیکی صورت می‌گیرد. با شبکه‌ای شدن فعالیتهای اقتصادی در تجارت الکترونیک دولتها قادر نخواهند بود حداقل بخشی از صادرات و واردات را کنترل کنند، تجارت الکترونیکی دولتها را در معرض معمای غامض قرار می‌دهد. توسعه صادرات از طریق تجارت الکترونیکی موجب می‌شود محدودیتهای شدیدی برای مکانیزمهای اعمال حاکمیت اقتصادی و سیاسی آنها پدید آید.<sup>(۱۶)</sup>

از جمله اثرات دیگر تکنولوژیهای ارتباطی - اطلاعاتی این است که امروزه خصوصاً در دوران جهانی شدن اقتصاد، صحنه‌ی جهانی به‌طور بی‌سابقه‌ای مملو از حجم فزاینده‌ای از بازیگران گوناگون گردیده است و تعداد نامحدودی از بازیگران غیردولتی نیز توانایی آن را دارند که زیرساخت‌های اقتصادی، مالی و دیگر زیرساخت‌های حیاتی یک کشور را تقویت یا تخریب کنند. حاکمیت جهانی سرمایه و تجارت بهای پول ملی کشورها را تحت تأثیر قرار داده و شرکتهای چندملیتی و فراملیتی به درون فضاهای اطلاعاتی وارد شده تا بتوانند حدود و ثغور قوانین مالیاتی ملی را دور زده و از آن بگریزند.<sup>(۱۷)</sup>

### ۲-۳- اثرات سیاسی

از لحاظ حاکمیت سیاسی، تکنولوژیهای ارتباطی - اطلاعاتی با کاهش دادن هزینه‌های ارتباطات و ایجاد هماهنگی باعث می‌شوند تا شبکه‌های غیرمتمرکز بر دیگر اشکال سازمانی برتری یابند. در این شبکه‌ها، افراد و گروهها بدون حضور فیزیکی یا ساخت نهادی - مثل احزاب که احتیاج به رسمیت شناسی داشته باشند، برای اقدام مشترک به هم مرتبط می‌شوند. این تکنولوژی جدید دارای استعداد تقسیم جامعه در عرض مرزهای جدیدی است. شبکه‌های الکترونیکی فعالان جهان را قادر می‌سازد تا دست به ایجاد اجتماعات و انجمنهای مجازی بزنند، که تجلی فیزیکی ندارند. دولتهای ملی برای شناسایی این انجمنها - که اغلب فعالیتهای ضددولتی دارند. با چالش بزرگی روبه‌رو هستند. آنها حقیقتاً حاکمیت و امنیت «دولت - ملت» را در قلمرو کشور مورد تهدید قرار می‌دهند. همچنین، افراد، گروهها، شرکتها و... به واسطه CITS قادر به ایجاد شبکه و اتصال با شبکه‌های جهانی می‌شوند. این شبکه‌ها، آنها را قادر می‌سازند تا منافع، اهداف، نظرات و ایده‌های خویش را به طور مستقل تعقیب و بیان کنند و از این جهت دولت که به طور سنتی تنها نماینده و سخنگوی مردم در مذاکرات، تعاملها و روابط بین الملل بوده را در حاشیه قرار دهند.<sup>(۱۸)</sup> این سازوکار به «جامعه مجازی»<sup>۷</sup> تعبیر شده است. این جوامع مجازی می‌توانند منافع و

هویت‌های منفرد را قادر به عرض اندام در سطح ملی و جهانی کنند و بدین صورت، باعث چندپارگی اجتماعی و سیاسی شوند. جامعه مجازی، افراد جوامع تاریخی واقع در جهان واقعی را در عرض مرزهای جدید تقسیم می‌کند. در این جوامع، افراد و گروهها بدون ساخت حضور فیزیکی یا نهاد رسمی، برای اقدام مشترک به هم مرتبط می‌شوند. دولتها نمی‌توانند مانع شکل‌گیری این جوامع مجازی شوند. گفته می‌شود که سازمانهای غیردولتی بین‌المللی و ملی بازیگرانی هستند که به نحو کارآمدی از این جوامع برای ارتباط با افراد درون مرزها و بسیج آنها برای اهداف خود استفاده می‌کنند. سازمانهای غیردولتی می‌توانند با استفاده از این جوامع به بازیگران پرتکاپوی سیاست ملی و محلی تبدیل شوند و ابتکار را از احزاب سیاسی و سیاستمداران بگیرند. در این جوامع مجازی، اخبار و ایده‌ها و... به راحتی از مرزها عبور می‌کنند، به طوری که گویی اصلاً مرزی وجود ندارد. این جوامع مجازی امکانات، قدرت و تسهیلاتی را در اختیار افراد و گروهها قرار می‌دهند که زمانی فقط احزاب سیاسی، سازمانهای بزرگ و خوب سازمان یافته از آن بهره می‌بردند. با گسترش جوامع مجازی در درون شبکه‌های الکترونیکی، یکی از پایه‌های قدرت و حاکمیت دولت به نام کنترل برفضا و

قلمرو کشور تا حد زیادی تحلیل می‌رود.<sup>(۱۹)</sup> از سوی دیگر، سیما و انتهای جهان ناشی از انقلاب ارتباطاتی و تکنولوژیهای ارتباطی و اطلاعاتی جدید تمایز و تفکیک بین حوزه‌ی داخلی (یا ملی) و حوزه‌ی بین‌المللی را گنگ و مبهم ساخته و در شرف ویران‌سازی مرزهای جغرافیایی - سیاسی است و به‌طور روزافزونی اعمال کنترل دولت بر نظامهای ارتباطاتی از طریق قانونمند کردن استفاده از آنها دشوارتر می‌شود.<sup>(۲۰)</sup>

### ۳-۳- اثرات فرهنگی

فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای از ارزشها، هنجارها و سبکهای زندگی که به مردم اجازه می‌دهد، بین زشت و زیبا، خوب و بد و رفتار صحیح و نادرست تمایز قائل شوند. انقلاب ارتباطاتی دگرگونیهای عمیق و گسترده‌ای را در ابعاد مختلف زندگی انسانها ایجاد کرده است. ماهیت تحولات فوق به نحوی است که فرهنگ و فرهنگ سازی در رأس امور جهانی قرار گرفته است. انقلاب ارتباطاتی تحولات فرهنگی عمیقی ایجاد کرده، ادراکات و پنداشتها را متحول ساخته است و به ادراکات نوینی شکل می‌دهد. در حوزه فرهنگی در واقع یک دگرگونی تاریخی رخ داده است. الگوی مکانیکی که جبرگرایی در رفتار انسان را ترسیم می‌کرد، پشت سر گذاشته شده و جای آن را الگوی ارتباطاتی گرفته است.

انقلاب اطلاعات به عنوان یکی از

مکانیزمهای جهانی شدن، تأثیر بسیار زیادی بر فرآیند جهانی شدن فرهنگها گذاشت. هویتها و همبستگیهای جدید در حال شکل‌گیری است که ریشه بسیاری از آنها در همین انقلاب جدید اطلاعاتی می‌باشد. به دلیل ارتباط گسترده از طریق فن‌آوریهای جدید و درهم‌شکستن مرزهای جغرافیایی، انسانها خود را بر خلاف گذشته تعریف می‌کنند و احساس «این همانی» با یکدیگر می‌کنند. بر این اساس هویتها متغیر که خصلت فراملیتی دارند همبستگیها و وفاداریهای جدید ایجاد کرده‌اند. به عبارت دیگر گروههای مرجع اجتماعی مانند خانواده، همچون گذشته تنها نهادهای تشکیل دهنده‌ی فرهنگ، ارزش و هنجارهای بستری نیستند. در این زمینه فن‌آوریهای ارتباطی نقش بی‌بدیلی ایفا می‌نمایند.<sup>(۲۱)</sup> جالب آنجاست که با آشناسازی و مقدمات تکنولوژیهای اطلاعاتی جدید، محیط فرهنگی آن نیز ایجاد می‌شود، برای مثال آشنایی با آنتنهای ماهواره تمامی جهان را تحت تأثیر فرهنگ جهانی و بازار جهانی قرار می‌دهد. این محیط فرهنگی، بازار مشترکی ایجاد می‌کند که به یک فرهنگ جهانی احتیاج دارد. منسوجات صنعتی، سبک خانه‌ها، صنعت فیلم و موزیک اولین قدمها را برای پذیرش پروسه جهانی شدن برمی‌دارند و همچنین مؤسسات مالی به‌طور برجسته‌ای فرهنگ جهانی را مبنای تصمیم‌گیری درباره همکاریهایشان قرار می‌دهند و این پیامد



جهانی شدن فرهنگ از طریق انقلاب اطلاعاتی - ارتباطی است که قالبی را ایجاد می کند که آثار یکسانی را در بسیاری از خانه ها و در سراسر جهان برجای می گذارد.<sup>(۲۲)</sup>

جهانی شدن نیروهای تکنولوژی اطلاعاتی

#### ۴-۱- قرون وسطی گرایان جدید

در یک طرف مناظره محققانی وجود دارند که اخیراً به قرون وسطی گرایان جدید<sup>۸</sup> معروف شده اند، این گروه معتقد به بازآمد مدل گذشته برای آینده هستند. به باور آنها CITS که به طور گسترده ای در دسترسی و قابل تهیه هستند، انحصار دولتها بر انباشت و مدیریت اطلاعات را شکسته است. بنابر استدلال قرون وسطی گرایان جدید، تکنولوژیهای اطلاعاتی و ارتباطی جدید دوره ای جدیدی از تاریخ بشری را تعریف می کند که در آن دولتهای ملی به واحدهای اقتصادی غیرطبیعی و حتی غیرممکن در اقتصاد تبدیل می شوند و افراد در همه جا در معرض دیسپلینهای اقتصاد بازار جهانی هستند. جهانی شدن اقتصاد بر پایه CITS موجب غیرملی شدن و غیر سرزمینی شدن اقتصادها از طریق ایجاد شبکه های فراملی تولید، تجارت و مالیه می شود. بسیاری از قرون وسطی گرایان جدید در این عقیده مشترکند که CITS در حال تشویق اشکال جدیدی از سازمان اجتماعی است که در حال جانسین شدن «دولت -

و ارتباطاتی برای آسیب زدن به نهادهای سنتی به سازمان قدرت جدیدتری متکی است تا جهان را به دهکده ای فرهنگی و کم و بیش جهانی همگون بدل سازد. مبادلات فرهنگی این فرصت را به مردم عرضه می کند که ایده ها، بینشها و اطلاعات را خارج از نظرات دولت، هنجارهای فرهنگی و حتی محدودیتهای قانونی رد و بدل کنند.<sup>(۲۳)</sup> به طور کلی می توان مراحل دگرگونی فرهنگ به فرهنگی جهانی از طریق تکنولوژیهای اطلاعاتی و ارتباطی جدید را به صورت زیر نشان داد. تحت فشار قرار گرفتن فرهنگها و هویتها از طریق انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی، باعث ازجا کندگی و چند فرهنگی شدن جوامع می شود و بالاخره منجر به شکل گیری فرهنگ جهانی می گردد. این موضوع باعث شده است دیدگاههای مختلف از زاویه های مختلفی به آن بنگرند که در مطلب بعدی به دو دیدگاه عمده در این زمینه پرداخته می شود.

#### ۴- مناظره قرون وسطی گرایان جدید و فرادولت گرایان

نحوه ی نگرش به پدیده ی انقلاب ارتباطاتی و

8. New Medievalists



ملت‌های سنتی به عنوان واحدهای اصلی اقتصادی - سیاسی جامعه جهانی هستند و یا اینکه در نهایت جانشین آنها خواهند شد.

تکنولوژیهای اطلاعاتی موجب جهانی شدن نظام مالی و کاهش کنترل و اهمیت بانک مرکزی دولتها و در نتیجه تضعیف حاکمیت دولتهای ملی بر نظامها می شوند. یکی از پیامدهای مستقیم از بین رفتن کنترل دولتهای ملی بر نظام مالی، پس رفت در توانایی دولت برای اخذ مالیات از فعالیتهای واحدهای اقتصادی و در نتیجه کاهش توانایی دولت در تأمین کالاهای عمومی و ازدست رفتن یکی از مایه‌های اساس حیات و مشروعیت آن می باشد. (۲۴) از لحاظ حاکمیت سیاسی قرون وسطی گرایان جدید بر این باورند که با واسطه CITS افراد، گروهها و شرکتهای ایجاد شبکه و اتصال به شبکه‌های جهانی قادر خواهند بود منافع، اهداف و نظرات و ایده‌های خویش را به طور مستقل تعقیب و بیان کنند و از این جهت دولتها را که به طور سنتی تنها نماینده و سخنگوی مردم در مذاکرات، تعاملات و روابط بین الملل بوده‌اند را در فرع قرار دهند. یکی از پتانسیلهای قوی CITS واسطه‌زدایی در عرصه روابط خارجی و منسوخ کردن دیپلماسی دولتی است. تکنولوژیهای اطلاعاتی پیوند بین مردم و نخبگان سیاسی را قطع و آنها را بامنافع و هویت‌های فراملی پیوند می دهند. شکاف منفعتی بین بازیگران غیردولتی و نخبگان سیاسی موجب تحلیل رفتن مفهوم

منافع ملی، امنیت ملی، اقتصاد ملی و ... و بنابراین منطق وجودی دولتها می شود.

قرون وسطی گرایان جدید که عده‌ای آنها را حاد جهانگرایان<sup>۹</sup> نیز می نامند، معتقدند که سرعت تحولات فوق به حدی است که نهادهای سیاسی و بوروکراسی دولتی برای تنظیم و کنترل آنها توان همگامی و تطبیق با آنها را ندارد و در نتیجه رفته رفته تحلیل می روند. اینها معتقد به فرارسیدن پایان عمر «دولت - ملتها» به عنوان شکلی که از وستفالیای پدیدار شدند، هستند. از نظر آنان جهان سیاسی آینده تنها حول یک مرکز تقسیم می شود. آنهایی که در درون شبکه‌های الکترونیکی قرار می گیرند و آنهایی که بیرون از شبکه قرار می گیرند. (۲۵)

#### ۲-۴- فرادولت گرایان

طرف دیگر این مناظره یا جدال نظری را گروهی از محققان تشکیل می دهند که آنها را «فرادولت گرایان»<sup>۱۰</sup> می نامند. فرادولت گرایان معتقدند که CITS با انتقال قدرت از دولت - ملت با بازیگران غیردولتی فراملی، موجب تغییر ساختار قدرت میان دولتهای ملی و بازیگران دیگری می شوند. CITS بازیگران جدیدی را در قدرت با «دولت - ملت» شریک می کند و مشکلات و چالشهایی برای حاکمیت ملی آنها پدید می آورد، اما موجب زوال آنها نمی شود،

9. Hyper Globalizer

10. Transgovernmentalists

زیرا این انتقال و جا به جایی قدرت، یک بازی با جمع جبری صفر - آن طور که قرون وسطی گرایان جدید تصور می کنند - نیست. دولت‌های ملی می توانند با استفاده از این تکنولوژیها بر قدرت خویش بیافزایند و حاکمیت خود را بیشتر تحکیم بخشند. دولت‌های ملی در اثر، CITS در حال زوال نیستند، بلکه در حال تجمع زدایی به بخشهای کارکردی مجزای خویش و تشکیل شبکه با همگامیهای خود در خارج هستند. نهادهای دولتی، خود شبکه‌های فراملی شکل می دهند، هر چند بار و نماینده‌ی منافع ملی مجزایی باشند. این نهادهای فراملی، دولت‌های ملی را به عنوان اصلی ترین بازیگران سیستم بین المللی حفظ می کنند.

CITS رابطه حاکمیت، سرزمین و قدرت دولتی را متحول می کنند و آنها را در رابطه پیچیده تری قرار می دهد. آنها با انتقال قدرت از دولت ملی به بازیگران جدید و ایجاد نوعی موازنه قدرت میان آنها، موجب متحول شدن حاکمیت ملی می شوند. نوع جدیدی از حاکمیت با عنوان حاکمیت مشترک<sup>۲۶</sup> ظهور خواهد کرد. در این شرایط حاکمیت کمتر به عنوان یک مانع تعریف شده‌ی سرزمین فهم و درک می شود. بلکه بیشتر به عنوان یک مقام برای شرکت در رژیمهای بین المللی (شبکه‌های بین المللی) و یک منبع چانه زنی در سیاستی که مشخصه آن شبکه‌های فراملی پیچیده است،

به نظر فرادولت گرایان انگاره‌ی دولت - ملت به عنوان یک واحد خودگردان و مستقل، بیشترین ادعای هنجاری است تا بیان توصیفی در رژیم حاکمیتی جدیدی که در حال جایگزین شدن برداشتهای سنتی از «دولت - ملت» به عنوان یک شکل قدرت مطلق، تقسیم ناپذیر و از لحاظ سرزمینی مانع است. فرادولت گرایان چنین استدلال نمی کنند که مرزهای ملی دیگر هیچ معنی یا اهمیت سیاسی، نظامی یا نمادین در بر ندارد، بلکه تصدیق می کنند که مرزهای سرزمینی که به عنوان مشخصه‌های فضای اصلی زندگی مدرن تصور می شوند، در عصر شبکه‌های الکترونیکی روز به روز کمرنگ می شوند و «دولت - ملتها» دیگر تنها مراکز یا اشکال حکومت یا اقتدار در جهان نیستند. به طور خلاصه CITS به جای اینکه موجب پایان حیات «دولت - ملت» شوند، طیفی از استراتژیهای تعدیل و در بعضی جنبه‌های خاص، یک دولت فعال تر را تشویق می کنند. بر این اساس تکنولوژیهای اطلاعاتی و ارتباطی جدید ضرورتاً قدرت دولت‌های ملی را کاهش نمی دهد، بلکه برعکس، قدرت دولت‌های ملی را در واکنش به پیچیدگی فزاینده حکومت در یک جهان به هم پیوسته تر مورد واسازی و ساخت مجدد قرار می دهند.<sup>(۲۷)</sup>

## ۵- جهانی شدن ارتباطات - اطلاعات و روابط بین الملل

بدون شک انقلاب اطلاعات - ارتباطاتی سبب نوعی تغییر در قوانین و قواعد بازی در سطح روابط بین الملل گردیده است و برتری دولت - ملت را مورد چالش قرار داده است. انقلاب اطلاعاتی ارکان سنتی قدرت ملی، یعنی قدرت اقتصادی، قدرت نظامی، قدرت سیاسی را تحت تأثیر قرار داده و بدین ترتیب سهم هر یک از دولت - ملت‌ها در روابط بین الملل دستخوش تغییر و تحول ساخته است. لذا، در جامعه پسا صنعتی یا جامعه اطلاعاتی، ضرورت دارد تا تبیینی نواز منابع قدرت ملی صورت گیرد. در حال حاضر، کنترل بر وسایل ارتباطی و رسانه‌ای همگانی یکی از سازمانهای قدرت سیاسی و اقتصادی هر کشوری را تشکیل می‌دهد، زیرا که تأثیر مستقیم سیستمهای پیشرفته ارتباطات و اطلاعات که اغلب بر دی جهانی دارند بر سایر ابعاد قدرت ملی کشورها، اهمیت ویژه‌ای یافته است. (۲۸)

روند تحولات بیانگر آن است که نواحی غنی از نظر اطلاعات در حال تبدیل شدن به دستگاه عصبی نظام بین المللی هستند. این پارادایم تکنولوژیک - اقتصادی قائل به آغاز شدن دوران اطلاعات است که به زودی در سده آینده به کمال خود خواهد رسید. در عصر کنونی درک اهمیت یک کشور در نظام بین الملل را از طریق سهم یک کشور در بهره‌مندی از تکنولوژی توسعه‌ی سریع فن‌آوریهای ارتباطی و اطلاعاتی منجر به دگرگونیهای بنیادی در حوزه‌های مختلف زندگی و دانش بشر گردیده به طوری که اندیشمندان مفاهیم «عصر اطلاعات» و جامعه اطلاعاتی را برای تبیین این تغییرات در حوزه‌ی معانی رشته‌های گوناگون علمی رواج دادند. به طور کلی طی نیم قرن گذشته چهارنگرش در حوزه ارتباطات بین الملل

اطلاعاتی و ارتباطی و همچنین سهم یک کشور در تجارت خارجی که آن هم با عامل قبلی وابستگی زیادی دارد، می‌توان درک نمود. تحولات فن‌آورانه نیمه‌ی دوم قرن بیستم و ورود کامپیوتر به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر سیستمهای ارتباطی در انقلاب اطلاعات و ارتباطات منتهی گردید و ترکیب تلفن و تلویزیون با کامپیوتر، تواناییهای جدید و دوچندانی را پیش روی بازیگران صحنه روابط بین الملل قرار داد. امروزه با انفجار اطلاعات و گردش سریع آن در جزئی‌ترین ابعاد روابط فراملی، دیگر مولتی مدیا و بزرگراههای اطلاعاتی به مثابه‌ی اجزای جدایی‌ناپذیر روابط بین الملل محسوب می‌شوند. افزایش حجم اطلاعات در دسترس، تنزل زمان ارتباط تا حد زمان واقعی، دو سویه شدن ارتباط و سهیم شدن مخاطبان در تولید، ارسال و حتی درخواست پیام، وضعیت نو را در برابر کسانی قرار داده است که از ابزارهای ارتباطی در دیپلماسی عمومی نهایت استفاده را می‌برند. (۲۹)

مطرح شده است: «نگرش ایدئالیستی»، «نوآیینی سیاسی»، «نگرش به اطلاعات به مثابه قدرت اقتصادی در عرصه روابط بین الملل» و «نگرش به اطلاعات به مثابه قدرت سیاسی در عرصه روابط بین الملل». نگرش ایدئالیستی، ارتباطات بین المللی را ابزار نزدیک ساختن مردم و ملت‌ها و یا دیگر سازمان‌های بین المللی در راستای خدمات دهی به جامعه جهانی می‌داند. لذا با برداشتی ایدئالیستی از روابط بین الملل، آن را عامل ارتقای تفاهم بین ملت و دستیابی به صلح جهانی می‌داند. دیدگاه نوآیینی سیاسی که ظرف چند دهه‌ی گذشته بر روابط دولت‌ها حاکم بوده است، به ارتباطات بین الملل از زاویه پروپاگاندا، تقابل ایدئولوژیک، تبلیغات و خلق اسطوره و قالب واره می‌نگرد. این نگرش از کاراکتری اقتدارگرا و توتالیتر برخوردار است و از ارتباطات درک یکسویه‌ای دارد لذا بر حاکمیت‌های متمرکز و سازمان‌دهنده، تأکید می‌کند و به دخل و تصرف در انگاره‌های ذهنی می‌پردازد. نگرش نوع سوم، ترغیب‌کننده اتکا به توسعه بین الملل، معاملات بازرگانی، بازاریابی، تجارت و فن‌آوری (نوسازی) است و غالباً ملل فقیر و پیرامونی را دچار غرب‌زدگی کرده است. اما دیدگاهی که به اطلاعات به مثابه قدرت سیاسی در عرصه روابط بین الملل می‌نگرد و آن را مانند کالای استراتژیک (نفت و اورانیوم) منبع قدرت در نظر می‌گیرد. اطلاعات را عاری از بار ارزشی و بی‌طرف قلمداد

می‌کند.<sup>(۳۰)</sup>

بر اساس رهیافت آخر، جهت درک تأثیر انقلاب اطلاعاتی - ارتباطی بر روابط بین الملل باید ماهیت قدرت و تغییر انگاره‌های آن را تحلیل و تبیین نمود. بنابراین می‌توان گفت در عصر انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی قدرت از نو تقسیم گردیده و از نو تعریف شده است. ابعاد گوناگون و زمینه‌های مختلف انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی و تکنولوژی‌های پیشرفته موجب گشته‌اند، این روند تقویت گردد. منابع، وسایل، ابزارها، مقیاسها و ابعاد گوناگون حاکمیت جهانی، که روزگاری مخصوصاً در دوران پس از جنگ جهانی دوم نمایانگر حاکمیت ابرقدرتها یا هژمونی یک کشور مقتدر (ایالات متحده آمریکا) بر روابط بین الملل بود، امروزه به طور گسترده تغییرات اساسی یافته‌اند. به نظر می‌رسد خیلی دور از واقع نباشد اگر بیان کنیم که سیاست واقعی<sup>۱۲</sup> در اوضاع و احوال جدید متکی بر سیاست الکترونیکی می‌باشد، که در آن دولت‌ها تنها بازیگران صحنه‌های بین المللی نیستند و قدرت مطلق دولت‌ها از سوی قدرت اطلاعاتی به چالش کشیده شده‌اند.<sup>(۳۱)</sup>

انقلاب اطلاعاتی - ارتباطی، معرکه‌ی یک انقلاب بزرگ تکنولوژیکی است که سبب بروز تحولی عمده در ساختار قدرت گردیده است. ارکان ثلاثه انقلاب صنعتی را که مشتمل بر

حاکمیت ملی، اقتصادی ملی و قدرت نظامی و استراتژیک بود را تغییر داده، قدرت فردی انسان را بیش از گذشته افزایش داده و سلسله مراتب قدیمی قدرت و حکومت را تضعیف نموده است. لذا می‌توان اذعان داشت در عصر انقلاب اطلاعاتی - ارتباطی، دسترسی به قدرت تکنولوژی اطلاعاتی اصلی‌ترین ابزار برخورداری از قدرت نرم و آرام یا قدرت معنوی در مقابل قدرت سخت و خشن یا قدرت مادی می‌باشد. در حالی که قدرت سخت و خشن بر قدرت و توانایی لازم جهت مجبور کردن دیگران به انجام کاری از طریق به کار بردن تهدیدات یا امتیازات، استوار است، قدرت نرم و آرام از توانایی لازم جهت به سرمنزل مقصود رسانیدن اهداف ملی و بین‌المللی از طریق جذب و متقاعد کردن دیگران به پیروی و پذیرفتن ارزشها، اصول، قواعد و نمادهای قدرت برخوردار است.<sup>(۳۳)</sup>

به هر تقدیر، با از راه رسیدن، گسترش روزافزون انقلاب اطلاعاتی - ارتباطی، طبیعت سیاستها و شیوه‌های اعمال قدرت، متحول گردیده‌اند، ضرورت توسعه‌ی شیوه‌های الکترونیکی و رایانه‌ای بر همگان آشکار گردیده است، چرا که استفاده کنندگان از این گونه شیوه‌ها را قادر خواهند ساخت تا بتوانند به بهترین نحو ممکن بهره‌های کافی را بگیرند. بنابر دیدگاه رابرت کوهن و جوزف نای، انقلاب اطلاعاتی به عنوان پدیده‌ای ملموس، فراگیر و اثرگذار، تأثیر مهمی بر منابع قدرت

نظم اطلاعاتی - ارتباطی جدید جهانی نشانگر یک وضعیت فرادولت و تغییر و تحول سیاستهای ملی و بین‌المللی می‌باشد و حاکمیت و برتری صاحبان تکنولوژی اطلاعاتی - ارتباطی را در سطح جهانی به دنبال دارد. در این نظم جهانی، سلسله مراتب قدرت در سطح بین‌المللی تغییر کرده و ساختارهای جدید قدرت شکل گرفته‌اند و سبب شده است تا گزینه‌هایی فراسوی همگان قرار گیرد. همچنین، پیشرفتهای حاصل شده در تکنولوژیهای اطلاعاتی -

می‌گذارند و در قرن ۲۱ احتمالاً تکنولوژی اطلاعاتی مهم‌ترین منبع قدرت شناخته خواهد شد، قدرت نرم‌افزاری به گونه‌ای محسوس در اقناع فرهنگ از طریق برنامه‌های تلویزیونی اثرگذار است و ساز و کارهای فن‌آوریهای ارتباطی و اطلاعاتی همچون ماهواره و پرتو امواج نامرئی شبکه‌های الکترونیکی جهان، بدون اغراق تار و پودهای قدرت تمدنهای آینده را تشکیل خواهند داد.<sup>(۳۴)</sup> در انتها باید گفت در عصر جهانی‌شدن، دانش و معرفت بیش از گذشته تشکیل دهنده‌ی قدرت هستند. هر کشوری که بتواند به بهترین نحو ممکن انقلاب اطلاعاتی را به پیش برده و هدایت کند، بیش از سایر کشورها قدرتمند خواهد بود.

## ۶- انقلاب اطلاعاتی - ارتباطاتی و کنترل دولتها

در جهان کنونی، به نظر می‌رسد رابطه مستقیمی میان در دسترس قرار گرفتن تکنولوژیهای اطلاعاتی - ارتباطاتی و حرکت به سمت حکومت مردم سالاری وجود داشته باشد. بهره‌مندی از این گونه تکنولوژیها، حرکت به سمت آزادیهای سیاسی و اقتصادی را تقویت می‌کند. آزادیهایی که در مراحل بعدی سبب ایجاد نهادهای دموکراتیک و مردمی در حکومت می‌گردند. هنگامی که کشورها اقدام به بکارگیری و وارد کردن تکنولوژیهای اطلاعاتی - ارتباطی پیشرفته می‌کنند، مجبور می‌شوند

- هر چند ممکن است این امر علی‌رغم میل آنها باشد- تأثیرات ناشی از وجود این گونه تکنولوژیها را نیز بپذیرند، حتی اگر این گونه نتایج گسترش روند دموکراسی را در این کشورها به دنبال داشته باشد.<sup>(۳۵)</sup> زیرا میزان بهره‌مندی دولتها از جامعه‌ی اطلاعاتی - ارتباطاتی جهانی و ضرورت انعطاف‌پذیری آنها در عصر اطلاعات، به افزایش میزان دموکراتیک‌شدن این جوامع کمک می‌کند.<sup>(۳۶)</sup> کنترل اطلاعات همواره سنگ بنای حکومتها بوده است و آنها طبیعتاً نسبت به تکنولوژیهای جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی مشکوک هستند. در این بین اینترنت مهم‌ترین پدیده تکنولوژیکی جدید به شمار می‌رود. دسترسی عمومی به اینترنت می‌تواند بخشهای عظیمی از جامعه را از دسترسی به اطلاعات برخوردار سازد یا مخالفت مردم عادی را تشدید کند و این چیزی است که پیش‌تر از این در بسیاری از کشورهایی که کاربران اینترنتی آنها رو به گسترش دارند و بادولت به چالش برمی‌خیزند اتفاق افتاده است. در نتیجه، این رژیم‌ها طرحهای پیشرفته‌ای در زمینه سانسور به اجرا درمی‌آورند تا از ناراضیان اینترنتی خود یک گام جلوتر باشند.<sup>(۳۷)</sup> کنترل ارتباطات توسط دولت این مسئله را مطرح می‌کند که ارتباطات یک جانبه منافع یک جانبه‌ای را تأمین می‌کند. متقابلاً کاهش کنترل دولت به ارتباطات موجب کاهش نظارت یا کنترل دولت بر ذهن و طرز تفکر شهروندان



می‌شود.<sup>(۳۸)</sup> برای سیستمهای اجتماعی بسته‌ای که به سختی کنترل می‌شوند دستیابی به اطلاعات بدون هیچ کنترلی خطرناک است. تکنولوژی ارتباطی نه فقط افراد را به جمعی از کارهای ادبی، مالی، و علمی بر مبنای جهانی وصل می‌کند بلکه، برای افراد، یک زندگی ارگانیک‌تری که شامل فکرکردن به صورت آزاد و فردی است فراهم می‌کند که این برای تصمیم‌گیرندگان این جوامع مشکل جدی می‌باشد. مشکل این کشورها این است که واقعگرا نیستند و دسترسی به اطلاعات جمعی را ممنوع می‌کنند، آنها به این واقعیت توجه نمی‌کنند که وجود شاهرهای اطلاعاتی برای توسعه اقتصادی در این کشورها حیاتی خواهد بود. همچنین آنها نمی‌دانند که ادغام اقتصادهای جدید و مشارکت آنها در تقسیم اطلاعات با محدود کردن گروههای اجتماعی جهت دستیابی به تکنولوژی اطلاعاتی در تضاد است.<sup>(۳۹)</sup> مشکل برخی از تصمیم‌گیرندگان سیاسی در این کشورها (به ویژه کشورهای جهان سوم) به سبب مواجه شدن با گسترش تکنولوژیهای ارتباطی است و به همین دلیل سعی در جلوگیری از آن دارند. این وضعیت برای آنها می‌تواند توسعه را به بن بست بکشاند و اجازه نمی‌دهد که تکنولوژی در این کشورها ریشه دار و مستحکم شود. از این رو امکان ادامه این سیاست در بلندمدت وجود ندارد.

امروزه اقتصادهای جهان مبتنی بر جریان آزاد اطلاعات هستند و محدود کردن تکنولوژی به شدت بر اقتصاد آسیب می‌رساند و روشهای سخت‌گیرانه منجر به تخریب و تباهی تکنولوژی در زمینه بازار جهانی و جهانی شدن می‌شود. امروزه پیامدهای اجتماعی و عقلانی جریان آزاد اطلاعات، مخالف نظریه کنترل اطلاعات است. جلوگیری از بهره‌گیری و تبادل اطلاعات زمانی که تکنولوژی قابل دستیابی است بسیار مشکل می‌نماید و این تکنولوژیها با تمام عقایدی که در صدد جلوگیری از جریان اطلاعات می‌باشند، در تضاد است.<sup>(۴۰)</sup> در یک کلام، توسعه و تقویت تکنولوژیها و زیرساختهای اطلاعاتی - ارتباطی می‌تواند هم به عنوان عوامل و هم به عنوان نتایج روند توسعه، نوسازی و نوگرایی اقتصادی و سیاسی و همچنین گسترش مردم سالاری تحلیل شود و انقلاب اطلاعاتی آزادی اقتصادی و سیاسی را توسعه خواهد بخشید و بر خلاف تکنولوژیهای صنعتی و تولیدی قرن نوزدهم و بیستم، آزادی و باز بودن را تقویت می‌کنند.<sup>(۴۱)</sup> تأکید می‌گردد انقلاب ارتباطی ویرانگر، تسلط انحصاری دولت بر ارتباطات و تصمیم‌گیری است، آن را ویران می‌سازد و باعث می‌شود علاوه بر تأثیرگذاری بر امور داخلی، با اطلاع از سیاست خارجی دولتها و نتایج آن بر روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی نظارت نمایند و انحصار دولتها را در اتخاذ سیاست خارجی از بین ببرند.



## ۷- تأثیر جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات بر سیاست خارجی دولتها

در عصر جهانی شدن، انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی، اهمیت بسزایی در عرصه سیاست خارجی دارد. این مهم ناشی از عوامل زیر است:

۱- تعداد بازیگران دخیل در تحولات بین‌المللی، شامل افراد، شهروندان جهانی به عنوان نهادهای فراملی<sup>۱۳</sup> شرکتهای چندملیتی و نهادهای جامعه مدنی بین‌المللی به عنوان نهادهای فراملی<sup>۱۴</sup> و قرارگرفتن نیروهایی از پایین به بالا و سازمانهای غیردولتی درکنار نیروهای از بالا به پایین (دولتها و سازمانهای بین‌المللی).

۲- تعامل گسترده‌ی حوزه‌ها و عرصه‌های سیاست خارجی شامل موضوعات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، زیست‌محیطی و ارتباطی.

۳- تعدد عوامل دخیل در تحولات بین‌المللی از قبیل پیمانهای تجارت آزاد، پیوند سیاست داخلی و خارجی، کمرنگ شدن مرزهای ملی، فرسایش حاکمیت دولتها، ارتباط بالقوه نظام داخلی و بین‌المللی، اهمیت قدرت نرم‌افزاری در عصری که سیاست در محک تصویر رقم می‌خورد. رسانه‌ای شدن نظام بین‌الملل با توجه به جریان مبادله آزاد اطلاعات.<sup>(۴۲)</sup>

رشد و گسترش روزافزون و بی‌سابقه

سازمانها، شرکتهای و شخصیت‌های حقوقی مستقل و غیردولتی نمایانگر این حقیقت است که دولت - ملتها دیگر تنها بازیگران عمده و حتی اصلی نظام بین‌الملل نمی‌باشند و این خود از ظواهر بارز جهانی شدن می‌باشد، بدین ترتیب، می‌توان ادعا کرد توسعه انقلاب اطلاعاتی -

ارتباطاتی زمینه‌های مساعد جهت تغییر شکل سازمان اولیه و بنیادین سیستم بین‌الملل که در آن تنها دولت - ملتها تصمیم گیرنده بودند و از حق حاکمیت برخوردار بودند را گسترش داده است. توجه به چنین واقعیتی ضرورت آمادگی بیشتر و فراهم کردن زمینه‌های تطابق سیاست خارجی هر یک از دولتها - ملتها با تحولات جهان امروز را دو چندان می‌کند.<sup>(۴۳)</sup> بر این اساس جهت تحلیل تأثیر جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات بر سیاست خارجی دولتها، به نقش تکنولوژیهای ارتباطی - اطلاعاتی جدید و همچنین رسانه‌های نوین در این زمینه پرداخته خواهد شد.

### ۷-۱- نقش تکنولوژیهای ارتباطی - اطلاعاتی

#### در تحول سیاست خارجی

به نظر می‌رسد اداره و هویت جهان آینده تحت یک حکومت الکترونیکی گسترش خواهد یافت. در جهان غرب، امروزه حکومت الکترونیکی بسیار گسترده‌تر و اساسی‌تر از

13. sub-state

14. trans-state

مهندسی دوباره حکومت و دولت تعریف می‌گردد. بنابراین در فرآیند جدید، حکومت کردن و تصمیم‌گیریهای داخلی بین‌المللی با استفاده از ابزارهای جدید تکنولوژیهای پیشرفته اطلاعاتی - ارتباطی طراحی می‌گردد و در برقراری توسعه روابط خارجی از آنها استفاده می‌گردد.<sup>(۴۴)</sup> در گذشته «سیاست واقعی» و تمرکز بر روی منافع ملی، اصلی‌ترین و مهم‌ترین رهیافت مناسب در سیاست خارجی قلمداد می‌گردید. در این دوران و با تکیه بر «سیاست واقعی» منافع ملی دنبال شده و بدون آسوده شدن و تحت تأثیر احساسات واقع شدن، حفظ تعادل و توازن قدرت و منافع ملی تأمین می‌گردید. اما امروزه و خصوصاً در دوران جهانی شدن و عصر انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی و وابستگی اقتصادی، صحنه جهانی به طور بی‌سابقه‌ای مملو از حجم فزاینده‌ای از بازیگران گوناگونی گردیده است که اغلب کمابیش و در سطوح گوناگون از قدرت تحت تأثیر قرار دادن منافع سایر کشورها برخوردار می‌باشند. همچنین در اثر تکنولوژیهای اطلاعاتی - ارتباطی آراء و دیدگاههای بین‌المللی این امکان را یافته‌اند که اعمال رهبران ملی را محدود کرده و تحت فشار قرار دهند و یا اعمال پراکنده و انفرادی را به حرکت‌های سیاسی و با اهمیتی تبدیل کنند.<sup>(۴۵)</sup>

انقلاب عظیم و گسترش سریع و بدون وقفه‌ی تکنولوژیهای اطلاعاتی - ارتباطی با مهندسی دوباره حکومت و دولت تعریف می‌گردد. بنابراین در فرآیند جدید، حکومت کردن و تصمیم‌گیریهای داخلی بین‌المللی با استفاده از ابزارهای جدید تکنولوژیهای پیشرفته اطلاعاتی - ارتباطی طراحی می‌گردد و در برقراری توسعه روابط خارجی از آنها استفاده می‌گردد.<sup>(۴۴)</sup> در گذشته «سیاست واقعی» و تمرکز بر روی منافع ملی، اصلی‌ترین و مهم‌ترین رهیافت مناسب در سیاست خارجی قلمداد می‌گردید. در این دوران و با تکیه بر «سیاست واقعی» منافع ملی دنبال شده و بدون آسوده شدن و تحت تأثیر احساسات واقع شدن، حفظ تعادل و توازن قدرت و منافع ملی تأمین می‌گردید. اما امروزه و خصوصاً در دوران جهانی شدن و عصر انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی و وابستگی اقتصادی، صحنه جهانی به طور بی‌سابقه‌ای مملو از حجم فزاینده‌ای از بازیگران گوناگونی گردیده است که اغلب کمابیش و در سطوح گوناگون از قدرت تحت تأثیر قرار دادن منافع سایر کشورها برخوردار می‌باشند. همچنین در اثر تکنولوژیهای اطلاعاتی - ارتباطی آراء و دیدگاههای بین‌المللی این امکان را یافته‌اند که اعمال رهبران ملی را محدود کرده و تحت فشار قرار دهند و یا اعمال پراکنده و انفرادی را به حرکت‌های سیاسی و با اهمیتی تبدیل کنند.<sup>(۴۵)</sup>

تحت تأثیر قرار دادن ارکان سیاسی، اقتصادی و نظامی اصلی قدرت ملی، تعریف مجددی از ساختارهای نوین این قدرت ارائه نموده و بدین ترتیب به عنوان ابزار مهم سیاست واقعی شناخته شده‌اند. سیاست متکی به قدرت ملی سنتی از سوی سیاست نوین اطلاعاتی - ارتباطی مورد مخالفت و یا ضربه پذیری واقع می‌گردد و سبب می‌شود تا دولت‌ها دیگر نتوانند به عنوان تنها بازیگران سیاست بین‌الملل ظاهر گردند. امروزه این گونه تحولات و نیز ظهور تفاوتها و تمایزات ما بین جامعه صنعتی و جامعه‌ی شبکه‌ای متکی بر اطلاعات، ضرورت درک و فهم بهتر و دقیق‌تر از این وضعیت را برای متخصصان و کارشناسان سیاست خارجی ایجاد کرده است.<sup>(۴۶)</sup> عنصر تبلیغات به عنوان ابزار مهم هدایت کردن روابط بین‌الملل و توجیه سیاستهای ملی که در دوران پس از جنگ جهانی دوم رشد و گسترش یافته است. امروزه با استفاده مناسب تر و فزاینده تری از تکنولوژیهای اطلاعاتی - ارتباطی و سیستمهای همگانی همراه گردیده است. به کارگیری وسایل جدید ارتباط جمعی، فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی در سطح جهانی از یکسو دولت‌ها را در به اجرا درآوردن سیاستهای داخلی و خارجی خود یاری می‌رساند و از سوی دیگر نقش دیپلماسی (سنتی) به عنوان تنها ابزار گفتگو را تضعیف کرده و کاهش می‌دهد.<sup>(۴۷)</sup>

آزادی الکترونیکی و دسترسی گسترده به

شبکه‌های اطلاعاتی و اینترنتی سبب گردیده است تا آرام آرام یک ساختار جدید قدرت در سطح روابط بین‌الملل/اقتصاد سیاسی بین‌الملل و در کنار قدرت دولت ملتها شکل گیرد. هر چند دولت - ملتها به راحتی و به سرعت حاکمیت و اقتدار خود را به طور کامل از دست نمی‌دهند، اما گرایشها و تمایلات به سمت گروه‌بندیها و بلوکهای اقتصادی - سیاسی - فرهنگی منطقه‌ای می‌تواند علی‌رغم حفظ حاکمیت و استقلال نسبی هریک از دولت‌های عضو به عنوان بهترین و معقول‌ترین راه پیش روی آنها به حساب آید. به هر ترتیب مطالعه روند انقلاب اطلاعاتی - ارتباطاتی نشانگر آن است که تکنولوژیهای پیشرفته در این زمینه و دسترسی به آنها جایگاه بازیگران غیردولتی، سیستم روابط بین‌الملل / اقتصاد سیاسی بین‌الملل را در مقابل دولتها تقویت کرده و افزایش داده است. تصمیم‌گیرندگان، مجریان سیاست خارجی می‌بایستی نسبت به واقعیت‌های متغیر و جدید سیاست‌های بین‌المللی و بازیگران عمده آن هوشیار و بیدار باشند و در جهت هماهنگ کردن بازیگران گوناگون و نسبت به ارزیابی‌های ملی در سطوح مختلف اقدام کنند. امروزه امواج شبکه‌های بین‌المللی و دیگر شبکه‌های اینترنتی در قالب یک دولت الکترونیکی و کامپیوتری بدون مرز جهانی با یکدیگر همزیستی دارند و این واقعیت از مهم‌ترین مبانی ساختار جدید نظام بین‌المللی است<sup>(۴۸)</sup> و دولت - ملتها به عنوان یکی از بازیگران سیستم جهانی باید براساس این واقعیات به اتخاذ سیاست خارجی بپردازند. فن‌آوریهای نوین ارتباطی و ورود بازیگران غیردولتی به عرصه دیپلماسی باعث شده است تا شیوه‌ی تازه‌ای از دیپلماسی ایجاد شود که در آن افکار عمومی، با کمک فن‌آوری نوین ارتباطی رشد یافته است مرزهای ملی دیگر مانعی برای ارسال پیام‌های بین‌المللی به حساب نمی‌آیند و لذا بازار آژانس‌های تبلیغاتی و اطلاعاتی رونق یافته و علم ارتباطات و کارشناسان ارتباطی مورد توجه دولتمردان و کارگزاران سیاست خارجی کشورها قرار گرفته است. انقلاب اطلاعات و جهانی شدن عرصه‌ی ارتباطات، دیپلماسی رسانه‌ها را اصلی‌ترین جزء مکمل سیاست خارجی نموده است. برخلاف گذشته که برتری نظامی، قدرت جهانی یک کشور را تعیین می‌کرد، امروزه توانایی یک کشور در استفاده از رسانه‌هاست که تصویر برتر بین‌المللی را شکل می‌دهد. بنابراین جهت موفقیت یک سیاست خارجی توانایی ایجاد و حفظ یک تصویر مطلوب بین‌المللی در جامعه جهانی ضروری می‌باشد. در عصر جهانی شدن، کشورهایی که دارای فن‌آوریهای ارتباطی جدید و برتر باشند و بر جریانهای جهانی اطلاعات کنترل داشته و همچنین از رسانه جهان گستر نیرومندی برخوردار باشند، می‌توانند تصویر برتر بین‌المللی خود را القا کنند. بنابراین،

«قدرت جهانی» یک کشور به توانایی دیپلماسی رسانه‌ای اش ارتباط می‌یابد و به همین دلیل سیاست خارجی باید جهت موفقیت در فرایند جهانی شدن همراه با نقش دیپلماسی رسانه‌ای از فن‌آوریهای جدید اطلاعاتی - ارتباطی سود ببرد.<sup>(۴۹)</sup>

رسانه‌های بین‌المللی ابتدا از طریق تأثیر بر افکار عمومی و سپس از طریق فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند. به طور کلی تأثیر رسانه‌های بین‌المللی بر افکار عمومی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

- ۱- تأثیری که بر افکار رهبران سیاسی دارند و در واقع افکار تصمیم‌گیرنده را در عرصه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی هدایت می‌کنند.
- ۲- تأثیری که رسانه‌های بین‌المللی بر افکار عمومی توده‌های مردم دارند و آن را کنترل می‌کنند. رسانه‌های بین‌المللی مهم‌ترین ابزار دیپلماسی خارجی هر کشور هستند. بدون ابزار رسانه‌ای و ارتباطی مؤثر برای اقناع افکار عمومی و توجیه سیاست خارجی در سطوح جهان، هیچ کشوری نمی‌تواند در صحنه‌ی بین‌المللی، منافع و اهداف ملی اش را دنبال کند، سیاست خارجی اش را پیش ببرد و جایگاهش را در نظام بین‌الملل ارتقا دهد. بنابراین، هر کشوری چنانچه بخواهد سیاستهای خارجی یا

## ۲-۷- نقش رسانه‌ها در عصر انقلاب اطلاعاتی

### - ارتباطی در تحول سیاست خارجی

بررسی رابطه بین رسانه و فرایند سیاست خارجی به سال ۱۹۲۲ برمی‌گردد. محققان اولیه عقیده داشتند، رسانه‌ها، ماهرانه از نفوذ خود در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی استفاده می‌کنند. آنها به دو نقش هم‌زمان رسانه در سیاست خارجی اشاره می‌کنند: نقش اطلاع‌رسانی عمومی و تشریح سیاست خارجی و نقش مشارکت‌کننده در فرآیند سیاست خارجی از راه سؤال و انتقاد کردن از تصمیم‌گیران حکومتی.<sup>(۵۰)</sup> مهم‌ترین نقشی که رسانه‌ها در یک فرایند سیاسی ایفا می‌کنند، همچون پل ارتباطی جهت اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی سیاست‌گذاران و جامعه نسبت به دیدگاههای یکدیگر و اتفاقات و رویدادهای سیاسی است. تجربه نشان داده است که رسانه پیش از وظیفه واسطه‌گری ارتباط، نقشها و کارکردهای وسیع‌تری را در ارتباطات سیاسی به اجرا در می‌آورند. به اعتقاد برنارد کوهن<sup>۱۵</sup> محقق نامدار آمریکایی ارتباطات بین‌المللی: کارکرد رسانه‌ها

اهداف ملی اش را در خارج از مرزها به شکل منطقی بی‌گیری نماید لاجرم باید قبلاً زمینه‌های مقدماتی، روانی و فکری این سیاستها را فراهم کند. کشورهای قدرتمند نفوذ خود را مدیون رسانه‌های بین‌المللی هستند که در پوشش اطلاع‌رسانی و تنویر افکار عمومی حول تأمین منافع کشور و پیشبرد سیاست خارجی به تبلیغات سیاسی می‌پردازند. این رسانه‌ها در شناخت فرصتها و زمینه‌های تحقق سیاست خارجی نیز به کارگزاران خارجی کشورها کمک می‌کنند.<sup>(۵۲)</sup>

بنابراین تحولات بین‌المللی ناشی از انقلاب اطلاعات و ارتباطات، به ویژه انقلاب مایکروالکترونیک و نظام فراصنعتی و تولد جامعه جدید موسوم به جامعه اطلاعاتی و پیشرفتهای شگفت‌آور در عرصه فن‌آوریهای نوین ارتباطی موجب شده است رسانه‌های جمعی بتوانند به عنوان بازیگر غیر دولتی، دوشادوش حکومتها نقش بسزایی در زمینه‌های ارتباطی، اطلاع‌رسانی، تبادل افکار، تصاویر و اطلاعات، هنجارسازی، تبلیغات، بسترسازی، آموزش‌دهی، هدایت الگوهای رفتاری و جهت‌دهی به افکار عمومی داخلی و بین‌المللی ایفا کنند و از این رهگذر بر سیاست خارجی کشورها تأثیرگذارند.<sup>(۵۳)</sup>

این موضوع را نمی‌توان انکار نمود که در دنیای کنونی و تحول در نظام بین‌الملل و

ساختار روابط میان دولت - ملتها و کنش متقابل و تأثیرپذیری آنها ناشی از تحولات عمیق و شگرف در سیستمهای ارتباطی از جمله ماهواره‌ها و شبکه‌های وسیع اطلاع‌رسانی مانند اینترنت است. قبل از جنگ جهانی دوم، برتری نظامی، نقش مسلط در شکل‌دهی ماهیت ملی و تصویر جهانی یک کشور بازی می‌کرد و به دنبال آن جایگاه آن کشور در سلسله مراتب سیاسی جهانی مشخص می‌شد. بعد از جنگ جهانی دوم با وقوع انقلاب اطلاعاتی ماهیت روابط بین‌الملل به صورت مهیجی دچار دگرگونی گردید. تکنولوژی ارتباطات جهانیان را درون یک دهکده‌ی جهانی به هم متصل ساخت. رسانه‌ها به منابع اصلی اطلاعات برای مردم سراسر جهان تبدیل شده و به عنوان بازیگرانی قوی در روابط بین‌الملل مطرح می‌شدند. سیاست خارجی که معمولاً پشت سر صحنه‌ها حضور داشت در عصر اطلاعات به فعالیت عمومی مبدل گردید.<sup>(۵۴)</sup> در دوره‌ی جدید نه تنها سیاست خارجی به عنوان یکی از بخشهای مهم در محتوای رسانه‌ها خود را نشان داده است، بلکه فراتر از آن روابطی تعاملی میان رسانه‌ها و سیاست خارجی برقرار گردیده است. بدین معنی که نه تنها در نهاد رسانه‌ها خود را نشان داده، بلکه فراتر از آن روابطی تعاملی میان رسانه‌ها و سیاست خارجی برقرار گردیده است. بدین معنی که در نهاد رسانه و دستگاه سیاست خارجی، تأثیر و تأثرات متقابلی

اهداف ملی اش را در خارج از مرزها به شکل منطقی بی‌گیری نماید لاجرم باید قبلاً زمینه‌های مقدماتی، روانی و فکری این سیاستها را فراهم کند. کشورهای قدرتمند نفوذ خود را مدیون رسانه‌های بین‌المللی هستند که در پوشش اطلاع‌رسانی و تنویر افکار عمومی حول تأمین منافع کشور و پیشبرد سیاست خارجی به تبلیغات سیاسی می‌پردازند. این رسانه‌ها در شناخت فرصتها و زمینه‌های تحقق سیاست خارجی نیز به کارگزاران خارجی کشورها کمک می‌کنند.<sup>(۵۲)</sup>

بنابراین تحولات بین‌المللی ناشی از انقلاب اطلاعات و ارتباطات، به ویژه انقلاب مایکروالکترونیک و نظام فراصنعتی و تولد جامعه جدید موسوم به جامعه اطلاعاتی و پیشرفتهای شگفت‌آور در عرصه فن‌آوریهای نوین ارتباطی موجب شده است رسانه‌های جمعی بتوانند به عنوان بازیگر غیر دولتی، دوشادوش حکومتها نقش بسزایی در زمینه‌های ارتباطی، اطلاع‌رسانی، تبادل افکار، تصاویر و اطلاعات، هنجارسازی، تبلیغات، بسترسازی، آموزش‌دهی، هدایت الگوهای رفتاری و جهت‌دهی به افکار عمومی داخلی و بین‌المللی ایفا کنند و از این رهگذر بر سیاست خارجی کشورها تأثیرگذارند.<sup>(۵۳)</sup>

این موضوع را نمی‌توان انکار نمود که در دنیای کنونی و تحول در نظام بین‌الملل و

بر هم به جای می‌گذارند.<sup>(۵۵)</sup> برخی فراتر از این، معتقدند رسانه‌ها باعث شده‌اند که سیاست‌گذاری خارجی که پیش از این وظیفه منحصر به فرد دیپلماتها و دولتمردان بوده اکنون در معرض فشار افکار عمومی قرار گیرد. حتی شماری از سیاست‌گذاران هشدار داده‌اند رسانه‌ها در حال حاضر از مرزهای متعارف رکن چهارم قدرت یا ناظر بر اعمال دولت فراتر می‌روند و در عمل سیاست خارجی را هدایت می‌کنند.<sup>(۵۶)</sup> تلاش رسانه‌ها برای جایگزین سازی «انسان سیبرنتیک» به تعبیر هانی لوفور<sup>۱۶</sup> به جای انسان رومی و تحقق امپراطوری جامعه مدنی و گسترش عرصه عمومی به تعبیر جاستین روزنبرگ<sup>۱۷</sup> موجب شده است رسانه‌ها بتوانند از رهگذر انتقال افکار عمومی به دستگاه تصمیم‌گیری، نوعی انبساط سیستمی و انعطاف در ساختار تصمیم‌گیری ایجاد کنند و سیاست خارجی چند بعدی، همه جانبه نگر و چند بخشی را در جهان چند مرکزی کنونی به منصف ظهور برسانند و با جایگزین سازی فرآیند افقی ارتباطات به جای فرآیند عمودی آن، در شکل‌گیری الگوی تعامل و دو سویه اطلاعات و بروز شبکه‌های ارتباطی فراملی مؤثر واقع شوند.

در مورد نقش رسانه‌های جهان گستر در روابط بین‌الملل، دکتر مولانا می‌نویسد: «رسانه‌ها می‌توانند چندین عملکرد عمده در فرآیند سیاست خارجی داشته باشند. رسانه‌ها قادرند

شرایط را تعریف کنند و به یک رویداد و شخصیت مشروعیت عطا کنند (برجسته سازی). به مثابه‌ی سازمان‌دهنده سیاستها<sup>۱۸</sup> عمل می‌کنند. موضوعات را شفاف یا مخدوش نمایش دهند و سیاستهای حکومتی در موضوع سیاست خارجی را شتاب دهند یا کند سازند. رسانه‌ها همچنین می‌توانند خواسته یا ناخواسته ابزار تبلیغات سیاسی در شکل‌دهی و پیاده‌سازی سیاست خارجی باشند. رسانه‌ها مجراهایی برای مبادلات رسمی، بنگاههایی برای بازیگران و منابع ارزشمند اطلاعات برای حکومتها هستند. شاید بزرگ‌ترین سهم بالقوه‌ی رسانه‌های جهانی در فرآیند تصمیم‌گیری سیاست خارجی، توانایی آنها برای نفوذ در خلق و خوی حکومت، نخبگان و مردم باشد.»<sup>(۵۷)</sup>

یکی از رسانه‌هایی که نقش بسیار زیادی در انقلاب اطلاعاتی - ارتباطی در حال حاضر ایفا می‌کند شبکه‌های تلویزیونی جهانی می‌باشند که نقشهای متنوعی (مانند نقشهای نظارتی، تفسیرگری، بازیگر دیپلماتیک و سامان‌دهنده) در پیشبرد سیاست خارجی کشورهای متبوع خود ایفا می‌کنند. این نقشها هم به افکار عمومی و هم به سیاست‌گذاری در امور بین‌الملل پیوند خورده‌اند.<sup>(۵۸)</sup> اکنون تلویزیون می‌تواند در چند ثانیه، آخرین تصاویر حادثه‌ای که در گوشه‌ای

16. Hani Loafer

17. Justin Rosenberg

18. Catalyst



از جهان رخ داده را پخش کند. اهمیت تلویزیون تا حدی است که «تیموتی کارتن» دانشمند علوم سیاسی آکسفورد تلویزیون را سومین بر قدرت می نامد، چرا که این رسانه ها هستند که می توانند موضوعی را جهانی نمایند.<sup>(۵۹)</sup> تأثیر تلویزیون جهانی بر روابط بین الملل از آنجا ناشی می شود که در سطح جهان، گستردگی بی سابقه ای یافته و بینندگان خود را به نمایش تصویری، خیال انگیز و بسیار ساده از رویدادها جلب می کند. این آثار به صورت جلب حمایت داخلی از سیاست خارجی کشور و مشروعیت بخشیدن به اقدامات آن کشور در سطح افکار عمومی بین الملل نمود می یابد، برخی از روشهایی که دولتها از تلویزیون برای پیشبرد و سیاست خارجی خویش استفاده می کنند، برگزاری نشست خبری، برگزاری کنفرانسهای خبری تلویزیونی، ایراد سخنرانی، برگزاری مصاحبه و... می باشد.<sup>(۶۰)</sup> به طور کلی باید اذعان داشت، اهمیت مثلث دنیای ارتباطات در رسانه های مکتوب، صوتی و تصویری اطلاعات (جریان آزاد اطلاعات و رایانه ای شدن امور) و مبادلات (با ماهیت سیال، نامحدود، داوطلبانه، برابر و متعادل) موجب شده است رسانه های جمعی به عنوان نهادهای فراملی، جایگاه خود را در عرصه ی دیپلماسی غیردولتی در فرآیند جهانی شدن به نمایش گذارند. وارد شدن جریان نوین اطلاعاتی در عرصه ی دیپلماسی و

رشد استفاده از ابزارها و فن آوریهای نوین ارتباطی در سیاست خارجی باعث شده است شیوه ای جدید از دیپلماسی موسوم به دیپلماسی عمومی<sup>۱۹</sup> بروز کند که به افکار عمومی توجه عمده ای نشان می دهد. به عبارت دیگر، رسانه ها با شفاف سازی اطلاعات و افزایش ورودیهای متنوع به درون دستگاه تصمیم گیری سیاست خارجی، نوعی دیپلماسی باز<sup>۲۰</sup> را تقویت می کنند. در واقع انقلاب اطلاعات و جهانی شدن عرصه ارتباطات، دیپلماسی رسانه را اصلی ترین جزء مکمل سیاست خارجی کرده است. چرا که مرزهای ملی دیگر مانعی برای ارسال پیامهای بین المللی به حساب نمی آید. تقویت روابط فراملی بر اثر گسترش نوعی پیوند و تعامل بین مردم، حکومتها و سازمانهای بین المللی غیرحکومتی بروز کند که به ایجاد نوعی دیپلماسی سه جانبه<sup>۲۱</sup> منجر می شود.<sup>(۶۱)</sup> در انتها باید گفت در عصر جهانی شدن در عرصه ی ارتباطات، کمک رسانه های جهان گستر به دولتهای خود در فرآیند روابط بین الملل غیرقابل اغماض است. این رسانه ها از طریق نمادهای رسانه ای، خواه واقعی و خواه خیالی، با شکل دهی اخبار و اطلاعات به درک بحثهای سیاسی توسط مردم کمک می کنند و بدین وسیله مردم را در اقدامات غیر داخلی حکومت

19. Public Diplomacy

20. Open Diplomacy

21. Triple Track Diplomacy



با دولت همراه می‌سازند و از سوی دیگر فشار افکار عمومی جهانی را متوجه دولتهایی می‌سازند که با سیاستهای آنان سازگار نیستند.

## فرجام

با توجه به مطالبی که در این مقاله آمد می‌توان عنوان نمود که به سبب پیشرفت در فن‌آوریهای اطلاعاتی - ارتباطی محیط بین‌المللی متحول شده است و قواعد و قوانین بازی تغییر یافته است. قدرت نیز به عنوان عنصر تعیین کننده میزان مانور کشورها در محیط بین‌المللی از حالت سنتی و سخت‌افزاری خارج شده و در پرتوی پیشرفت در فن‌آوریهای اطلاعاتی - ارتباطی شکل نوینی یافته است که بدان قدرت نرم یا اقناعی می‌گویند که احتمالاً در قرن بیست و یکم مهم‌ترین منبع قدرت شناخته خواهد شد.

## پانوشتها

۱. روزنامه همشهری، ۱۹ فروردین ۱۳۸۰، ص ۶.
۲. حسین سلیمی، فرهنگ‌گرایی، جهانی‌شدن و حقوق بشر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۹، ص ۳۸۰.
۳. داریوش اخوان زنجانی، جهانی‌شدن و سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱، صص ۱۱۹-۱۲۱.
۴. قدیر نصری، «فرا روایت‌های کاستلز در عصر اطلاعات»، مجله راهبرد، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۸۱، ص ۳۵۵.
۵. مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات: ظهور جامعه‌ی شبکه‌ای، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰، ص ۱۶.
۶. همان، ص ۲۲.
۷. همان، ص ۲۲-۱۸.
8. Anthony McGrew (ed) "Transformation Of Democracy, Globalization and Traditional Democracy", Cambridge: Polity Press, 1997, p. 7.
۹. مرادعلی صدوقی، تکنولوژیهای اطلاعاتی و حاکمیت ملی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۰، ص ۳۱.
۱۰. همان، ص ۵۵-۵۴.

۳۰. همان، ص ۱۹۹.
۳۱. پوراحمدی، پیشین، ص ۵۱.
32. Robert O. Keohane. And Joseph S. Nye. **op.cit.** P.81.
۳۳. حسین پوراحمدی، جهانی شدن و ضرورت تقویت اصل چند جانبه گرایی، فصلنامه سیاست خارجی، پاییز ۱۳۷۹، ص ۷۶۸.
34. Robert Keohane And Joseph Nye. **op.cit.** PP. 81-95
۳۵. پوراحمدی، پیشین، ص ۶۸
۳۶. همان، ص ۶۵
۳۷. همشهری، ۸ خرداد ۱۳۸۲، ص ۶
۳۸. اخوان زنجان، پیشین، ص ۱۲۲.
39. Kambiz Iranpour. **op.cit.**
40. **Ibid.**
۴۱. پوراحمدی، پیشین، ص ۶۹
۴۲. روزنامه جام جم، ۱۶ تیر ۸۱
۴۳. پوراحمدی، پیشین، ص ۶۴
۴۴. همان، ص ۵۸-۵۷.
45. Peter Willets, **op.cit.** PP. 284- 310.
۴۶. پوراحمدی، پیشین، ص ۷۳.
۴۷. همان، صص ۶۷-۶۶
۴۸. همان، صص ۷۵-۷۴.
۴۹. محکی، پیشین، صص ۲۰۳-۲۰۲.
۵۰. همان، ص ۲۰۰.
۵۱. روزنامه همشهری، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۰.
۵۲. محکی، پیشین، ص ۲۲-۲۰.
۵۳. دهشیری، پیشین.
۵۴. بخت ور، پیشین.
۵۵. دهشیری، پیشین.
۵۶. برایان وایت، مایکل اسمیت و ریچارد لیتل، مسائل سیاست جهان، ترجمه سیدکمال سروریان، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۳.
۵۷. محکی، پیشین، ص ۲۰۳.
۵۸. همان.
۵۹. رامونه، پیشین، ص ۵۴.
۶۰. محکی، پیشین، ص ۲۰۴.
۶۱. دهشیری، پیشین.
11. Robert O. Keohane. and Joseph S. Nye., "Power and Interdependence In The Information Age", **Foreign Affairs**, (september/ October), 1998. pp. 84-22.
۱۲. صدوقی، پیشین، ص ۱۸.
۱۳. آگناسیو رامونه، آیا جهان به سوی هرج و مرج می رود؟ ترجمه پریچهر شاهسونده، تهران: مؤسسه انتشاراتی عطاء، ۱۳۷۷، ص ۵۴.
۱۴. خسرو پارسا، جامعه‌ی انفورماتیک و سرمایه داری: واقعیت و اسطوره، تهران: نشر آگاه، ۱۳۷۹، صص ۷۹-۷۷.
۱۵. همان، ص ۳۵.
۱۶. صدوقی، پیشین، صص ۹۰-۸۰.
17. Peter Willets, "Transnational Actors And International Organizationism Global Politics", In John Baylis And Stev Smith, "the Globalization Of World Politics: An Introduction To International Relations, Oxford: University Press, 1997, pp. 287, 310.
۱۸. صدوقی، پیشین، ص ۱۹.
۱۹. همان، صص ۱۶۷-۱۶۴.
۲۰. اخوان زنجان، پیشین، صص ۱۲۳-۱۲۰.
۲۱. ایمانی راد، «روند جهانی شدن، الزام یا اختیار»، ماهنامه تدبیر، شماره ۸۹، دی ۱۳۷۷، ص ۱۲۳.
22. Kambiz Iranpour, "The Repercussions Of Information Technologyies In The Politics", <http://www.fys.vio>.
23. URL: Ali Mir Sepasi. <http://www.moders.ac.ir>.
۲۴. صدوقی، پیشین، صص ۳۴-۳۳.
۲۵. همان، صص ۳۸-۳۶.
۲۶. همان، صص ۳۹-۳۸.
۲۷. همان، ص ۴۰.
۲۸. حسین پوراحمدی، «اقتصاد سیاسی، انقلاب اطلاعاتی - ارتباطاتی، جهانی شدن و تبیین نو از منابع قدرت ملی»، **مجله‌ی رهیافتهای سیاسی و بین المللی**، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۱، ص ۴۸.
۲۹. علی اصغر محکی، «رسانه‌های جهان گستر و روابط بین الملل (نگاهی به جهانی شدن و نقش رسانه‌های مدرن در عرصه سیاست خارجی)»، فصلنامه پژوهش و سنجش، بهار ۱۳۸۰، ص ۱۹۶.